■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۹۹ ■ دوشنبه ■ ۱۹ دی ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۱ | اذان مغرب ۱۷/۲۸ | نیمه شب شرعی ۲۳/۲۷ | اذان صبح فردا ۵/۴۶ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۵

سخن روز

امام رضا(ع):
هرکسی اندوه و مشکلی را از مؤمنی برطرف نماید، خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش برطرف سازد.

اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۸

عربی از غنی‌ترین زبان‌های زنده جهان است

عبدالنبی قیم: بدون شک زبان عربی یکی از غنی‌ترین، پرمایه‌ترین و زیباترین زبان‌های زنده دنیا است. این حقیقت را فقط کسانی می‌دانند که با زبان عربی سر و کار داشته باشند و از اقیانوس بیکران آن جرعه‌ای نوشیده باشند. شاید بسیاری از ناطقین به زبان عربی از غنا، وسعت و توانایی این زبان بی‌خبر باشند و ندانند این زبان تا چه اندازه غنی است. اینها فقط زمانی به قدرت و توانایی این زبان پی خواهند برد که مطالعه‌ای درباره آن انجام دهند یا در مقام مقایسه این زبان با زبان‌های دیگر برآیند. به‌رغم اینکه زبان مادری‌ام زبان عربی است و بنده با این زبان بزرگ شده‌ام و علاقه به این زبان و تسلط بر آن در حد گفتار و خواندن سبب شد به تألیف فرهنگ عربی- فارسی روی آورم و بیست سال از عمرم را صرف تألیف سه فرهنگ کنم، با وجود این باید به این حقیقت اذعان کنم حتی به هنگامی که اقدام به تألیف فرهنگ کردم به غنا، وسعت، توانایی و زیبایی‌های این زبان پی نبرده بودم. فقط در جریان کار و طی تألیف فرهنگ بود که به دقت معانی، برش‌های ظریف معنایی و غنای این زبان پی بردم. بعد از بیست سال فرهنگ‌نویسی با قاطعیت می‌گویم که این زبان اگر کامل‌ترین زبان زنده دنیا نباشد، بدون شک یکی از معدود زبان‌های غنی و کامل دنیا است.

بخشی از نوشته این پژوهشگر، تاریخ‌نگار و فرهنگ‌نویس خوزستانی در مهر

هیچ چیز بر اساس شانس اتفاق نمی‌افته. هر چیز در عمق وجودش طرح و برنامه‌ای مخصوص به خودش داره حتی اگر ما اون طرح را درک نکنیم.

سایه باد، کارلوس روییز زافون

نگاره

نیما شاه‌میری

سهم کارخانه‌های صنعتی جهان در آلودگی هوا

فضای مجازی

درگذشت «اوون رویزمن» فیلمبردار تحسین‌شده فیلم‌هایی همچون «جن‌گیر» و نظر یک کارشناس ایرانی درباره «مرگ دلقک گیتاریست» اثری منتسب به پیکاسو که در موزه ملی نگهداری می‌شود، برخی عناوینی هستند که در مجازی امروز می‌خوانید.

■ درگذشت فیلمبردار مشهور فیلم «جن‌گیر»

«اوون رویزمن» فیلمبردار امریکایی و تحسین‌شده فیلم‌هایی چون «جن‌گیر» و «ارتباط فرانسوی» و «شبکه» در سن ۸۶ سالگی درگذشت. «اوون رویزمن» فیلمبرداری بود که پنج بار نامزد اسکار شد و بیشتر برای همکاری با «ویلیام فریدکین» کارگردان فیلم‌های کلاسیک «جن‌گیر» و «ارتباط فرانسوی» شناخته می‌شد. او که همچنین در پنج فیلم از جمله «سه روز کرکس» (۱۹۷۵)، «غیبت مالیس» (۱۹۸۱) و توتسی (۱۹۸۲) با «سیدنی پولاک» همکاری داشته است، پس از چند ماه بستری در بیمارستان در خانه‌اش واقع در لس آنجلس درگذشت. این فیلمبردار در نوامبر ۲۰۱۷ و پس از دریافت جایزه اسکار افتخاری عنوان کرد: «فیلم از ذرات ریز و نقره‌ای زیادی تشکیل شده است و هر یک از این ذرات توسط هر فردی که روی یک فیلم کار می‌کند نشان داده می‌شود. اگر در هر فیلمی یکی از آنها را تغییر می‌دادید، فیلم متفاوت به نظر می‌رسید.» «رویزمن» برای فیلم‌های «ارتباط فرانسوی»، «جن‌گیر»، «شبکه»، «توتسی» و «وایات ارپ» نامزد جایزه بهترین فیلمبرداری از آکادمی اسکار شد.

■ نظر کارشناس ایرانی درباره اثر منتسب به پیکاسو

«مرگ دلقک گیتاریست»؛ اثری از پیکاسو، هنرمند نقاش مشهور است که در گنجینه موزه ملی ایران نگهداری می‌شود. درست زمانی که این تابلو برای نمایش عمومی میان هزاران اثر دیگر انتخاب شده بود، گمانه‌زنی‌ها درباره اصالت این اثر، آن را نیمکت‌نشین مخزن موزه کرد. در همین راستا برخی کارشناسان هنری با آخرین بررسی‌هایی که درباره اصالت این اثر انجام داده‌اند، بیان می‌کنند که این تابلو هیچ ارزشی ندارد! بهرام کلهرنیا، هنرمند و کارشناسی است که از این اثر هنری بازدید داشته و یافته‌های خود را طی گزارشی منتشر کرده و به ایسنا گفته: «این کار گونه‌ای از چاپ محسوب می‌شود که روی بوم انجام شده است. به‌عبارتی بوم را به گونه‌ای آماده کرده و با دستگاه چاپ اُفست اقدام به چاپ این اثر کرده‌اند. برای مثال ممکن است شما از موزه لوور بازدید کنید و پرتره‌ای از دوران طلایی رم ببینید و مایل باشید آن را در دفتر کار یا منزل خود داشته باشید. لوور یک قالب از کار اصلی دارد و یک کپی از آن را با یک قیمت و شماره‌ای که پشتش است، می‌فروشد اما درواقع این نمونه‌ها ارزش هنری ندارند.» او این اثر آن را یک «عتیقه به درد نخور» توصیف کرده و ادامه داده: «با توجه به اینکه امروزه چاپ اُفست و تکنیک چاپ خیلی توسعه پیدا کرده، کار به لحاظ چاپی هیچ‌گونه ارزشی نداشت و به لحاظ نگهداری نیز مورد کم لطفی قرار گرفته بود و آنگونه که من متوجه شدم، این تابلو جزو اموال توقیفی بوده که به موزه تحویل داده شده بود.»

■ زاینده‌رود موضوع یک کمدی معماگونه

امیرحسین عنایتی که اکنون کارگردانی سریال «طعم طمع» کاری از مرکز صداوسیمای استان اصفهان را عهده دار است، از پخش سریالش طی یک ماه آینده از یکی از شبکه‌های سراسری خبر داده است. این مجموعه در ژانر معمایی اما با درونمایه کمدی تولید شده است. «طعم طمع» روزهای پایانی تدوینش را می‌گذراند و همزمان موسیقی کار در حال انجام است. کار مناسبتی نیست و آزاد است و فکر می‌کنم طی یک ماه آینده به روی آنتن برود. این سریال قصه خشکسالی زاینده رود اصفهان و درگیر شدن یک خانواده کشاورز با تبعات این مساله را به تصویر می‌کشد. محمد فیلی، پوراندخت مهیمن، آشا محرابی، شهاب عباسی، افشین سنگ‌چاپ، فاطمه شکری، پویا امینی، احمدرضا حقیقی، زهره قاسمی و... از بازیگران این مجموعه تلویزیونی هستند. سریال «طعم طمع» به نویسندگی علی‌اکبر محلوجیان است که تصویربرداری‌اش به پایان رسیده و در مرحله پس تولید است.

برخی ضرورت‌های پیش‌رو در کارگردانی تئاتر

پنجره‌ای روبه دیوار

رضا آشفته
منتقد تئاتر

بحث مکان در تئاتر به اندازه‌ای مهم است که اگر از سوی کارگردان به آن کم‌توجهی شود نتیجه کار همچون آب در هاون کوبیدن خواهد بود. مکان، محل وقوع یک داستان است و مرتبط با مسائلی است که باید در آن مطرح شود تا این‌گونه کارگردان مخاطب را متوجه نکته‌ای از مسائل پیرامونی‌اش سازد. بنابراین مکان به ضرورت درک و فهم متن در اجرا بسیار ویژه و با اهمیت می‌شود و هر کارگردانی باید بداند که چه مسأله‌ای مرتبط با مکان مطرح شده وجود دارد که پرداختن به آن یک ضرورت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... است.

در این نوشته منظور از مکان، همان جغرافیا و زیست‌بوم است که برای هر مخاطبی نسبت به مخاطبان دیگر متفاوت‌تر و دربرگیرنده مسائل خاص‌تری خواهد بود. جغرافیا امری کتمان‌نشدنی در پذیرش، درک و اجرای یک متن است که می‌تواند شهر به شهر و روستا به روستا تفاوت بنیادینی داشته باشد. مکان می‌تواند از جغرافیای جهان به قاره، منطقه، کشور، استان، شهر و روستا به مکان‌های کوچک‌تری چون دبستان، بیمارستان، کارخانه و مانند اینها تقسیم‌بندی شود. اگر نمایشی مربوط به آپارتمان‌نشینی در کلانشهری چون تهران باشد این متن نمی‌تواند در شهر کوچکی چون محلات سمیرم مورد توجه واقع شود و تنها دلیلش نیز نبودن آپارتمان و مسائل خاص آن در چنین شهرهای کوچکی است.

آلودگی هوا که به دلایلی از جمله افزایش ریزگردها به مسأله مهمی در هر نقطه‌ای از جهان تبدیل شده، یکی از بهترین گزینه‌ها در پرداختن به مسائل زیست‌بومی است؛ در صورت علاقه‌مندی کارگردان به ساخت و اجرای اثری بر این مبنا، وی باید به اتفاق یک نویسنده، چنین متن و اجرایی را به صحنه آورده و از این طریق مخاطب را آگاه سازد تا در این آگاهی جسم و جان خود را از آسیب‌های برآمده از آن نجات دهد.

بنابراین هر کارگردانی در هر نقطه از جهان به ضرورت درک مکانی مورد نیاز مخاطبان هدفش، باید متن و محتوای آن را برای درک بهتر مخاطب، سمت و سو دهد و این‌گونه اجرایش را تبدیل به اثری مطلوب کند. در غیر این صورت آنچه در صحنه اجرا رخ می‌دهد غیر قابل درک و فهم خواهد شد و کاربردی برای مخاطب نخواهد داشت. چنانکه به‌عنوان مثال در اراک نمایش‌هایی دیدم که مربوط به مسائل فلسفی یا کلانشهر تهران بود؛ این در حالی است که از مسائل مرتبط با زیست‌بوم خودشان غفلت کرده بودند. در سال ۹۱ به دلیل تحریم‌های خارجی علیه کشورمان، کارخانه آلومینیوم اراک از دسترسی به فیلترهای هوا محروم بود و در نتیجه گرد و غبار نشأت گرفته از آن به خطر و تهدیدی برای مردم این شهر تبدیل شده بود. در آن شرایط هیچ دلیل موجهی برای بی‌توجهی کارگردان‌های تئاتر اراکی به مسأله مذکور وجود نداشت! بی‌توجهی در به چالش کشیدن مسائل پیرامونی، صحنه را خالی از محتوای کاربردی و بهره‌مندی از کارکرد اقتضای مکانی می‌سازد.

به همین دلیل درک مکان و نقطه‌ای که کارگردان هوشمند و هشیار در آن قرار گرفته می‌تواند سرآغازی برای یک ارتباط بهتر، پویا و پوینده باشد. چنانکه در انتخاب متون بیگانه و تاریخی نیز باید اقتضای مکانی به ضرورت یک دراماتورژی و نگاه تطبیقی صورت گرفته باشد که مسائل بیگانه در یک محیط کشور خودمان، قابل درک و تفهیم شود و مخاطب دچار سردرگمی و بیگانگی نسبت به مکان و مسائل پیرامونی‌اش نباشد.

بگذارید نمونه دیگری بیاورم، اگر نمایشنامه‌ای مربوط به حضور امریکا در جنگ ویتنام است چون هر دو کشور برای ما بیگانه هستند، باید ضمن مطرح شدن رویدادها و شخصیت‌ها، مسائل مندرج در اثر، منطبق با شرایط مورد نیاز با مخاطبان ایرانی اجرا شود، از جمله پرداخت به مباحثی نظیر پایداری در برابر بیگانگان برای حفظ و نگهداری مرز و بوم و منافع آن می‌تواند در این نوع آثار برجسته شود تا از حالت بیگانه به امری آشنا و قابل درک برای مخاطبان خودمان تبدیل شود. بر این اساس هر متن بیگانه‌ای را می‌توان با ارزش‌گذاری‌های اینجایی قابل اجرا و تفهیم کرد تا تماشاگر ضمن لذت بردن از آن حس و درکی تازه و مطلوب پیدا کند. در نتیجه اقتضای مکانی یک اصل مهم برای گزینش و اجرای هر متنی در هر نقطه از زمین خواهد بود و البته که کار هنرمند چیزی فراتر از این نیست.

تأملی برای شنیدن یک موسیقی پاپ وطنی

پیشنهاد

رضا مهدوی
نوازنده سنتور و مدرس موسیقی

خشایار اعتمادی و بهروز صفاریان جزو اولین خواننده‌ها و آهنگسازان نسل نوی موسیقی پس از نیمه دهه هفتاد هستند که توانستند نسبت به همدوره‌ای‌های خود، در شکل و شمایلی متفاوت از دهه ۶۰ و نیمه اول دهه ۷۰، دست به تولیدات موسیقی مردم‌وار بزنند.

این دو، هر یک از دانش و فهمی دقیق از فرم و نحوه ارائه موسیقی دوران جدید برخوردارند و به مدد نیمه بازشدن فضای رسانه‌ای در رادیو و تلویزیون، توانستند حرف‌هایی را بزنند که در نوع خود نمونه‌آفرین شد و سپس به دیگر عرصه‌ها تسری پیدا کرد.

روزبه بمانی از دهه ۸۰ مقتدرانه‌وار و شاعرانه به ترانه‌سرایی پرداخت و در همراهی با هنرمندان مطرح توانست بخوبی کلمات و واژگان را با ادبیاتی روان و سنگین منحصربه خود بسراید. ادبیاتی در ایجاد متفاوت شنیدن و در عین کلاسیک بودن روزمرگی‌های متناسب با موسیقی پاپ وطنی و ضلع سوم مثلثی شد که حالا حالاها برای بیشتر مطرح شدن جایی دارد.

بر این اساس هرگاه شاعر، آهنگساز و خواننده، در مختصات فنی و محتوای حسی یک اثر از زوایای گوناگون به درک مشترکی می‌رسند، تولید و اجرای قطع موسیقی به‌مثابه تولد از یک مادر است!

بنابراین ریشه‌های فرهنگی منتج به سبک و سیاق زندگی خانواده ایرانی می‌طلبد، هر سه ضلع فنی اثر، در کنار نقطه کانون، وحدت رویه برخاسته از کلیت فهم محتوا و نشانه‌گذاری دقیق از اصالت‌ها و آیین‌های فرهنگی - شنیداری را یادآوری کند، تا از باری به هر جهت به خلق موسیقی و کلام و صدا بسنده نشود. این سه هنرمند در مجموعه «باید به تو برگردم» دانسته می‌دانند این مردم چه می‌خواهند و چه سلاح شنیداری در سطح عالی فرهنگ عمومی (نگویم استاندارد بهتر است) در بخش موسیقی پاپ ایرانی بیشتر نیازمندند.

تنوع ملودی و حس و حال خواننده در کنار تنظیم‌های دلچسب، رنگ و لعابی دگرگونه به مضامین ترانه‌ها داده که شور و حال توأم با فکر و دقت را به ارمغان می‌آورد و گوش هوش شنونده را متوجه ریزه‌کاری‌ها در چینش اتاق فکر مجموعه تولید آلبوم «باید به تو برگردم» کرده و رهنمون می‌کند که چگونه فکر شده، دست به خلق اثر زده‌اند.

تک تک هشت قطعه (دلت می‌خواد کی باشم، مدارا، بن‌بست، مردونه تمومش کن، رفتن تو، گلایه، باید به تو برگردم، یک نفر هست) شیارها (تراک) به نکته‌ای از عالم موسیقی و در کلام از فلسفه زندگی رونمایی به دوران‌ها دارد. تا جایی که این موسیقی‌ها به‌تنهایی قابلیت روانه شدن به گوش‌های دیگر ممالک با هر ملیتی را داشته اما گویی پخش و تبلیغات مناسبی در زمان مؤثر خودش برای چنین آلبوم درخوری به‌وجود نیامد و باعث رنجش خشایار اعتمادی این خواننده دغدغه‌مند در عرصه موسیقی پاپ ایرانی شد، تا جایی که تاکنون دیگر علاقه‌ای به تولید اثر ندارد و گله‌گذاری‌هایی هم از مافیای موسیقی در رسانه‌ها بیان می‌کند.

عوامل تولید آلبوم هریک از هنرمندان چهره‌های شاخص نوازندگی و استودیویی هستند که تماماً همّ و غَم خود را برای هرچه بهتر شنیده شدن برای مردم ایران هدیه کرده‌اند. پیام طونی، امید حجت، فیروز ویسانلو، ایمن خراسانی راد، بهنام حکیم، فرید فراز، احسان نی زن، بهروز صفاریان، رسول رسولی و گروه زهی آواژه نوازندگان این آلبوم را تشکیل می‌دهند با ترانه سرایی، بهزاد بمانی و پدیده نیشابوری.

باید به تو برگردم
موسیقی: بهروز صفاریان
خواننده: خشایار اعتمادی
ناشر: نهاله رودکی
سال: ۱۳۸۹

نگاهی به نقش هنر در زندگی پرمشغله امروز

درنگ

الهام خاکپاش
نقاش و مدرس دانشگاه

عنصر اصلی و سازنده هنر، تخیل و عاطفه است، تفاوتی که هنرمند در یک جامعه با افراد دیگر جامعه دارد که او را شاخص‌تر می‌کند؛ ابزار کار و زبان بیانی او به شمار می‌آید که خیال‌برانگیز است. حساسیت هنرمند نسبت به پدیده‌ها و اتفاقاتی که دور و برش رخ می‌دهد زیاد است و در نتیجه‌اش نسبت به آنها واکنش و رویکردی متفاوت از دیگر افراد دارد.

هنرمند با استفاده از ابزاری که در اختیار دارد، واقعیت‌های بیرونی را تبدیل به اثر هنری می‌کند. وقتی که این مسائل و موضوعات در قالب هنر جای گرفت او قادر است تأثیری به مراتب زیباتر و بهتر از واقعیت داشته باشد. از دیدگاه داوینچی، هنرمند پیشوای جهان محسوس و دیدنی است که نه تنها خود به خوبی می‌بیند بلکه وظیفه‌ای جز این ندارد که خوب دیدن را به آدمیان تعلیم دهد.

هنر از قدیمی‌ترین و مؤثرترین پدیده‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان است، تا جایی که هیچ وسیله یا روش زندگی را نمی‌توان پیدا کرد که هنر به نوعی در آن نفوذ نکرده باشد، زندگی بدون هنر بسیار بی‌روح و کسل کننده است. هنر به مردم امید و نشاط می‌دهد. هنر پدیده‌ای است که از دیرباز نقشی بسزا در زندگی انسان دارد. به‌صورت کلی در اوضاع امروز جهان و زندگی ماشینی فعلی، زندگی دچار بی‌معنایی شده و روح انسان در گرداب بی‌هدفی فرو رفته، در چنین شرایطی، ضرورت توجه انسان به هنر بیش از گذشته احساس می‌شود و نیاز به آن دو چندان شده چرا که هنر تسلی بخش است.

بشر امروز با هر سطح تفکر و فرهنگی که باشد به هنر نیاز دارد، ارتباط با هنر نقش مؤثری در تقویت روحیه و معنادار کردن زندگی دارد. با وجود این لازم نیست که همه هنرمند شوند ولی می‌توانند با آن تماس داشته باشند، در هنر گام بردارند، آرامش بگیرند و زیبایی‌ها را ببینند. هنر دید انسان را که بر اثر روزمرگی و غفلت به نوعی گرفتار شده تازه می‌کند، محیط پیرامون را زیبا کرده و از ین طریق شور و شوق و لذت را به ارمغان می‌آورد، زندگی را از حالت کسالت‌بار و ملال‌آور آن خارج ساخته و روح تازه و نشاط و امید را به وجود می‌آورد.

شوپنهاور می‌گوید: «درین بیابان شوره‌زار هستی که عطش سوزان و پایان ناپذیری، راه‌رو را از همه چیز ناامید می‌سازد، هنر مانند واحه و باغ خرمی است که می‌توان در پناه آن دمی بیاسود.»

انسان بشدت نیازمند لطافت هنر در زندگی است، لطافتی که هنر در نهاد خود دارد، کمک بسیاری به بشر در زندگی روزمره می کند. هنر، زاده کشف و شهود و نتیجه کوشش انسان برای ایجاد زیبایی است، هنر از جایگاه رفیعی برخوردار است و اهداف بلندی درجهت رشد وتوسعه انسانی داشته که مفرح کردن و لطافت بخشیدن به زندگانی بشراز جمله این اهداف است.

بشر در طول تاریخ حیات اجتماعی‌اش هیچ وقت بدون هنر زندگی نکرده و هنر از آغاز زندگی تا به امروز همچنان با او و همراه او خواهد بود. همه ملت‌ها هنر را مفهومی والا می‌پندارند، آنچنان که به گفته هربرت رید «هنر، بیان هر آرمانی است که هنرمند توانسته باشد آن را در صورت تجسمی تحقق بخشد.»

ذره‌بینی بر فضای مجازی از نگاه روانشناسی

یک فنجان حرف

محمدحسن موحدی
روانشناس

در نظریه روان تحلیلگری، ساختار شخصیت به سه بخش نهاد، من و فرامن تقسیم می‌شود. «نهاد» درواقع دارای سائق (سوق دهنده)های پرخاشگری است و «من» نماد عقل اجتماعی است. در این بین اما «فرامن» وجدان اخلاقی و من آرمانی را شامل می‌شود. در این نظریه بر من یا عقل اجتماعی که تنظیم کننده نهاد و فرامن است، تأکید می‌شود.

اما در باب رابطه هویت مجازی به‌عنوان اصلی‌ترین مشخصه سبک زندگی در اینترنت، دانشمندان معتقدند هویت‌های مجازی ما چیزی جدا از هویت واقعی است. به نظر می‌رسد هر چه فاصله هویت مجازی از هویت واقعی در افراد بیشتر باشد، احتمالاً یا تکانه‌های «نهاد» (سائق‌های لذت و پرخاشگری) و یا سفارش‌های «فرامن» در شبکه‌های اجتماعی بیشتر دیده خواهد شد. در واقع انگار آدم‌ها در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نقاب واقعی خود را -که یونگ آن را جزو کهن الگوهای شخص می‌داند و اعتقاد دارد افراد در دید جامعه و در نگاه دیگران از آن استفاده می‌کنند- کنار گذاشته و سائق(سوق‌دهنده)های لذت و پرخاشگری خود را به نمایش عموم در می‌آورند. از این رواست که مثلاً فیلم‌های خشونت بار را به اشتراک می‌گذارند یا در مقابل نشان دادن عناصر لذتبخش یا بهره‌مندی از لذت‌های غیرمجاز محافظت کمتری دارند. بنابراین سبک زندگی‌های هویت‌های مجازی انسان‌ها متفاوت از سبک زندگی‌های واقعی آنها

می‌شود و همین موضوع بر مخاطبان‌شان تأثیرات مخربی خواهد داشت. چه آنکه بستر فضای مجازی اصلی‌ترین عنصر رسانه‌ای در روزهای فعلی است و تولید محتوا در آنکه ممکن است هر کدام از ساختار شخصیت را در بر بگیرد بسیار پراهمیت به شمار می‌آید و مراقبت بیشتری را می‌طلبد.

از نگاه دیگر و با زاویه دید مهارت‌های ارتباطی، افراد در مقابله با موقعیت‌های هیجانی و در رویارویی با یک مسأله ارتباطی، اجتماعی، سیاسی فرهنگی و ..... دو حالت برخورد دارند:

یک آنکه هیجان مدارانه با مسأله برخورد کنند و برای آرامش خود در آن موقعیت فعلی را مرتکب شوند و یا آنکه به فکر حل مسأله باشند و در هر کدام از این دو حالت، می‌توانند سازگارانه یا ناسازگارانه رفتار کنند. به طور مثال عصبانی شدن و فحاشی در هنگام تصادف مقابله‌ای هیجان مدارانه و ناسازگارانه است که به حل مسأله نمی‌انجامد اما ذکر گفتن در هنگام عمل جراحی عزیزی- که قبل‌تر برای حل مسأله بیماری‌اش کوشیده شده است- برخوردی هیجان مدارانه و سازگارانه در جهت آرام کردن خود به حساب می‌آید. در این بین اما خودکشی مقابله‌ای کاملاً ناسازگارانه در صورتهای هیجان مدار و مسأله مدارانه است.

به نظر می‌رسد در عصر پسامدرن، انسان‌ها به خودکشی دسته جمعی در فضای مجازی دست می‌زنند. آنها مسائل غمگین کننده یا خشونت‌بارشان را به معرض دید دیگران می‌گذارند یا در فضای سیاسی به جهت تخلیه هیجان خود، بدون نگاه بر حل مسأله، تصاویر یا فیلم‌هایی را به اشتراک می‌گذارند. اما آنچه از آن غافلند وضعیتی است که مخاطبان شبکه‌های اجتماعی یا ارتباطی پیدا می‌کنند و هر گونه تخلیه هیجان افراد، دومینوی هیجان مداری را در دیگران راه‌اندازی می‌کند. به طور مثل فضای غم آلود ناامیدکننده، غمگینی و ناامیدی را وارد هویت واقعی زندگی مخاطبان می‌کند و همین موضوع اشتراک‌گذاری غم را در دنیای مجازی منجر می‌شود. هر چند که می‌توان پذیرفت آنچه در فضای مجازی رخ می‌دهد، منبعث از فضای واقعی است. این رویکرد بتدریج جامعه را از وضعیت مسأله مدار به حالت هیجان‌مدار کشانده و باعث می‌شود مسائل در سر جای خود باقی بمانند. موضوعی که سال‌هاست مردم جوامع مختلف با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

عکس نوشت

«پاتریک کیکورو» هنرمند ۲۶ ساله ساکن کنگو، به کمک کوهی از بطری‌های پلاستیکی که در نزدیکی دریاچه کیوو انباشته شده‌اند، دست به خلق پرتره‌های سیاستمداران می‌زند. او این پلاستیک‌ها را ذوب می‌کند و مایع غلیظی را به وجود می‌آورد که از آن برای نقاشی استفاده می‌کند. این هنرمند با خلق چنین پرتره‌هایی سیاستمداران را برای اهمیت ندادن به حفاظت از محیط زیست سرزنش می‌کند. به گفته این هنرمند، تاکنون اجلاس و نشست‌های بسیاری در کنگو برگزار شده اما اقدامی برای محافظت از طبیعت صورت نگرفته است. /ایسنا